

فصل دوم

قانون اساسی مصوب ۲۲ آوریل ۱۸۱۵

مبحث اول

بازگشت ناپلئون به فرانسه و تصویب قانون اساسی جدید

بطوریکه فوقاً ذکر شد پس از اشغال پاریس از طرف دول متفق و انفصال ناپلئون از مقام امپراطوری و تشکیل يك حکومت موقت مرکب از فرماندهان نامی و رجال سیاسی معروف فرانسه، در ۴ آوریل ۱۸۱۴ امپراطور از مقام خود به نفع پسر سه ساله اش استعفا کرد ولی بر اثر اصرار متفقین ناپلئون در ۱۱ آوریل بدون قید و شرط از مقام امپراطوری دست کشیده و در ۲۰ آوریل پس از تودیع باگارد امپراطوری عازم جزیره الب (۱) واقع در دریای مدیترانه شد. متفقین جزیره کوچک الب را تحت حکمرانی ناپلئون قرار دادند و نامبرده با حفظ عنوان امپراطور و دریافت مستمری مکفی در جزیره مزبور مستقر شد. و امادر کنگره وین (۲) که از سلاطین اطیش و روسیه و پروس و دانمارک و جمعی از سلاطین آلمان و رجال معروف اروپا مانند مترنیخ (۳) و لنکتن (۴) تالیران (۵) و رازومووسکی (۶) برای حل و فصل مسائل حاصله از جنگهای ناپلئون تشکیل یافته بود چنین اظهار عقیده میشد که چون توقف ناپلئون در جزیره الب ممکن است برای امنیت و آسایش اروپا ایجاد خطر کند بنابراین صلاح است که وی به يك جزیره دور افتاده مانند سنت الن (۷) تغییر مکان داده شود علاوه اخبار واصله از پاریس حاکی از این بود که مردم فرانسه از وسائل حکومتی لویی هیجدهم ناراضی هستند و آرزو دارند که ناپلئون از محل تبعید خود به فرانسه

Vienne — ۲
Wellington — ۴
Rasoumovsky — ۶

Elbe — ۱
Metternich — ۳
Talleyrand — ۵
Sainte Hélène — ۷

مراجعت کرده و باردیگر زمام امور فرانسه را در دست قوی و توانای خود بگیرد. نظر باینکه قاطبه اهالی فرانسه مایل به بازگشت امپراطور مستعفی به فرانسه بودند و از طرفی هم در کنگره وین اختلافات شدیدی بین دول ایجاد شده بود لذا ناپلئون مخفیانه جزیره البرا ترك کرد و در اول ماه مارس ۱۸۱۵ در خلیج ژوآن (۱) واقع در جنوب فرانسه از کشتی پیاده شده روانه پاریس گردید و در طول راه مردم با آغوش باز او را استقبال کردند و بار دیگر سرنوشت فرانسه را در دست توانای او قرار دادند. در ۲۰ مارس هنگامیکه لوئی هیجدهم بمجله از پاریس فرار میکرد ناپلئون وارد قصر معروف توایلری (۲) شد و اما قبل از ورود بیپاریس ناپلئون در شهر لیون (۳) واقع سر راه پاریس فرمانی صادر کرد که بموجب آن مجلس اعیان و مجلس مبعوثان را که بر طبق قانون اساسی اعطائی لوئی هیجدهم تشکیل یافته بود منحل و اعلام می نمود که بدون فوت وقت مجلس جدیدی از نمایندگان ملت فرانسه تشکیل خواهد داد تا بادر نظر گرفتن منافع کشور و تمایلات و آرزوهای مردم قانون اساسی جدیدی وضع و بموقع اجرا بگذارد. پس از ورود بیپاریس ناپلئون کمیسیونیی از وزراء و اعضای شورای دولتی و رجال معروف انتخاب نمود و این کمیسیون که تحت ریاست خود ناپلئون جلسات خود را تشکیل میداد طرحی را که رجل معروف فرانسه بنژامن کونستان (۴) تهیه کرده بود با پاره اصلاحات قبول نمود و این طرح که سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری (۵) نامیده میشد مطابق معمول حکومتهای انقلابی و خود ناپلئون بوناپارت بآراء عمومی ارجاع و با کثرت ۱۵۳۲۳۲۷ رأی موافق در مقابل فقط ۴۸۰۲ مخالف به تصویب رسید. در ۳ آوریل فرمان انتخابات مجلس مبعوثان صادر و پس از تعیین اعضای موروثی مجلس اعیان مجالس جدید در ۳ ژوئن منعقد گردید.

قانون اساسی ۲۲ آوریل ۱۸۱۵ دارای يك مقدمه و ۶۷ ماده میباشد. باینکه قانون اساسی مزبور سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری نامیده میشد ولی بیشتر شباهت به قانون اساسی ۱۸۱۴ اعطائی لوئی هیجدهم دارد بدین معنی که واضعین

Tuileries - ۲

Jouan - ۱

Benjamin Constant - ۴

Lyon - ۳

Acte additionnel aux constitutions de l'Empire - ۵

قانون اساسی جدید پارهٔ مواد قانون اساسی ۱۸۱۴ را مورد تجدید نظر قرار داده و آنرا بصورت سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری در آورده بودند.

در مقدمه قانون اساسی جدید، ناپلئون بوناپارت راجع به اصول و مبانی حکومت آینده فرانسه بشرح زیر اظهار عقیده میکرد:

«از زمانی که پانزده سال قبل ما مطابق تصمیم ملت فرانسه حکومت این کشور را بعهده گرفتیم در ایام مختلف سعی و کوشش کردیم که قوانین مشروطیت را بادر نظر گرفتن حوائج و آرزوهای مردم و استفاده از دروس حاصله از تجربیات گذشته تکمیل کنیم که در نتیجه قانون اساسی امپراطوری بصورت يك سلسله مقررات در آمد که مورد قبول ملت فرانسه واقع گردید. ما در نظر داشتیم يك اتحادیه بزرگی از دول اروپا تشکیل دهیم و این نقشه بارو حیه مردم این عصر مطابقت داشته و وسائل پیشرفت تمدن را فراهم میساخت. برای تهیه زمینه تشکیل اتحادیه اروپا ما انجام بعضی اقدامات داخلی را بتأخیر انداختیم. بیگانه منظور ما این است که بوسیله تثبیت و استحکام آزادی عمومی سعادت و نیکبختی ملت فرانسه را تأمین کنیم. برای رسیدن باین هدف لازم میدانیم تغییرات کلی در قوانین اساسی و تصویبنامه‌های سنا و سایر مقرراتی که بموجب آن این امپراطوری اداره میشود بعمل آوریم.

برای اینکه مقررات مفید و نافع دوره گذشته حفظ شده و از طرفی هم قوانین اساسی امپراطوری خودمان با تمایلات ملت و حوائج صلح اروپا منطبق گردد ما مصمم شدیم يك سلسله مقررات مبنی بر تغییر و تکمیل قوانین اساسی و تضمین حقوق مردم و بسط و توسعه اختیارات هیئت نمایندگان به تصویب مردم برسانیم تا نتیجتاً آزادی سیاسی و آسایش و امنیت فردی با قدرت و توانائی دولت توأم بوده و دول بیگانه استقلال ملت فرانسه و مناعت تاج ما را محترم شمارند. با توجه با اصول مندرج بالا مواد ذیل بنام سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری به آراء عمومی ارجاع میشود تا مردم فرانسه آزادانه آنرا تصویب نمایند.»

ماده اول سند الحاقی مقرر میداشت که قوانین اساسی دوره کنسولا و امپراطوری که عبارت از تصویبنامه‌های مورخ ۲ و ۴ اوت ۱۸۰۲ و ۱۸ مه ۱۸۰۴ مجلس سنا باشد بشرط عدم مباحثت با قانون اساسی جدید بقوت خود باقی است.

طبق ماده دوم اعمال قوه مقننه با امپراطور و نمایندگان پارلمان بود.

مبحث دوم

مجلس اعیان و مجلس مبعوثان

بموجب قانون اساسی جدید پارلمان فرانسه دارای دو مجلس بود که یکی مجلس اعیان و دیگری مجلس مبعوثان نامیده میشد. نمایندگان مجلس اعیان را امپراطور بطور موروثی تعیین میکرد. در صورت فوت یکی از اعضاء مجلس مزبور حق نمایندگی به پسر بزرگتر او انتقال می یافت. اعضاء مجلس اعیان در سن ۲۰ سالگی حق حضور در جلسات و حق شرکت در مذاکرات را داشتند و پس از رسیدن به سن ۲۵ سالگی میتوانند رأی بدهند و اما اعضاء خاندان امپراطوری از شرط سن مذکور مستثنی بوده در سن ۱۸ سالگی حق حضور در جلسات مجلس اعیان را داشتند و در سن ۲۱ سالگی از حق رأی استفاده میکردند. مانند دوره لوئی هیجدهم تعداد نمایندگان مجلس اعیان نامحدود بود. مجلس مزبور تحت ریاست مهرداد امپراطوری (۱) جلسات خود را تشکیل میداد و همانطوریکه در تصویبنامه مورخ ۱۸۰۴م مجلس سنا مقرر گردیده بود در غیاب مهرداد امپراطوری يك نفر از نمایندگان مجلس اعیان بانتخاب امپراطور و وظائف ریاست را عهده دار میشد.

نمایندگان مجلس مبعوثان را مردم برای مدت پنج سال انتخاب میکردند. ماده ۲۷ قانون اساسی ۱۸۱۵ مقررات قانون اساسی ۴ اوت ۱۸۰۲ مربوط به هیئت انتخاب کنندگان شهرستانها و بخشها را با پاره تغییرات تأیید میکرد. اهم این تغییرات از این قرار بود :

از سال ۱۸۱۶ بپس قرار بود اعضاء مجلس اعیان بانتخاب امپراطور مادام العمر ریاست هیئت های شهرستانها را عهده دار شوند. از تاریخ مزبور هیئت انتخاب کنندگان هر يك از شهرستانها موظف بود از بین رأی دهندگان هر يك از بخشها يك رئیس و دو نایب رئیس انتخاب کند و برای انجام این منظور هیئت انتخاب کنندگان شهرستانها بایستی ۱۵ روز قبل از تشکیل مجامع بخشها منعقد گردد. رأی دهندگان ملزم نبودند نمایندگان مجلس مبعوثان را از بین ساکنین حوزه انتخابیه خود تعیین کنند بلکه مجاز بودند آنها را از میان رأی دهندگان حوزه های دیگر نیز انتخاب نمایند.

از باب صنایع و تجار هر يك از شهرستانها يك نماینده مخصوص از بین خودشان انتخاب میکردند .

تعداد اعضاء مجلس مبعوثان بالغ بر ۶۲۹ نفر بود . برای عضویت مجلس مبعوثان ۲۵ سال عمر کافی بود . رئیس مجلس مبعوثان را خود نمایندگان انتخاب میکردند و لسی انتخاب او مستلزم موافقت امپراطور بود . مجلس مبعوثان اعتبارنامه های نمایندگان را چه از حیث واجد بودن شرایط قانونی و چه از لحاظ جریان انتخابات مورد رسیدگی قرار داده آنها را تصویب یا رد می نمود . نمایندگان مجلس مبعوثان و همچنین اعضاء مجلس اعیان مصونیت پارلمانی داشتند بدین معنی که در زمان اشتغال بازداشت و تعقیب آنها با اتهام جنحه یا جنایت بدون اجازه مجلس مربوطه جایز نبود مگر در موارد جرائم مشهوده بعلاوه از تاریخ افتتاح تا ۴ روز بعد از پایان دوره اجلاسیه نمایندگان مجلسین برای عدم پرداخت قروض قابل بازداشت نبودند . اعضاء مجلس اعیان را با اتهام جنحه یا جنایت خود مجلس اعیان محاکمه میکرد در صورتیکه محاکمه اعضاء مجلس مبعوثان با محاکمه دادگستری بود . عضویت در مجلس مبعوثان و مجلس اعیان با استخدام دولتی مانعة الجمع نبود بپهر حال فرمانداران (۱) و بخشداران (۲) در حوزه مأموریت خود قابل انتخاب نبودند بعلاوه محاسبین خزانه دولت مجاز نبودند با حفظ سمت خود قبول نمایندگی کنند .

جلسات هر دو مجلس علنی بود ولی ده نفر عضو مجلس اعیان یا بیست و پنج نفر از اعضاء مجلس مبعوثان حق داشتند تقاضای تشکیل جلسه محرمانه کنند . دولت نیز مجاز بود در خواست کند که مجالس برای استماع اظهارات وزراء جلسات محرمانه تشکیل دهند . امپراطور حق داشت مجلس مبعوثان را تعطیل یا منحل کند . در صورت انحلال بایستی دستور انتخابات جدید صادر و مجلس جدیدالا انتخاب در ظرف مدت شش ماه از تاریخ انحلال مجلس سابق منعقد گردد . چنانچه مجلس مبعوثان تعطیل یا منحل میشد مجلس اعیان نمیتوانست تشکیل جلسه دهد .

حق پیشنهاد لوایح قانونی اختصاص بدولت داشته و مجالس اراعمال این حق محروم بودند و فقط میتوانند از دولت تقاضا کنند که راجع به يك موضوع قانونی

لایحه تهیه و برای تصویب به مجالس پیشنهاد کند. مواد اصلاحی به لوایح قانونی که از طرف نمایندگان پیشنهاد میشد بایستی قبلاً باستحضار وزراء رسیده و مورد قبول دولت واقع گردد و در غیر این صورت مجالس موظف بودند لوایح پیشنهادی دولت را بدون جرح و تعدیل تصویب یا رد کنند. از لحاظ اعمال قوه مقننه مجالس مساوی الحقوق بودند فقط لوایح قانونی دائر بر وضع مالیات و معاملات استقراض و سر باز گیری و همچنین بودجه کل کشور اول در مجلس مبعوثان مطرح سپس بتصویب مجلس اعیان میرسید. تفسیر قوانین مستلزم تصویب و توشیح قانون مخصوص بود.

مبحث سوم

محاکم - حقوق افران

بموجب قانون اساسی ۱۸۱۵ تمام قضات را باستثنای امنای صلح و اعضای محاکم تجارت امپراطور تعیین میکرد. قضات برای تمام عمر انتخاب میشدند و قابل تغییر نبودند. هیئت منصفه مانند سابق دائر بود. مجلس مبعوثان قرار تعقیب وزراء را صادر و مجلس اعیان آنها را محاکمه میکرد. قبل از صدور قرار تعقیب وزراء مجلس نمایندگان میتواند آنها را برای ادای توضیحات احضار کند و پس از صدور قرار تعقیب، مجلس مبعوثان از بین اعضاء خود پنج نفر را انتخاب و آنها را مأمور میکرد که مجرمیت وزیر متهم را در محضر مجلس اعیان ثابت کنند. رسیدگی بجرائم نظامی در صلاحیت دادگاههای نظامی بود در صورتیکه جرائم غیر نظامی که افسران و سربازان مرتکب میشدند در محاکم عمومی رسیدگی میشد. اعمال حق عفو عمومی و خصوصی و تخفیف مجازات محکومین با امپراطور بود.

مواد ۵۹ الی ۶۷ (فصل ششم) حقوق ذیل را برای افراد قائل شده بود:

« فرانسویان از لحاظ پرداخت مالیات و از حیث اشتغال به مشاغل کشوری و نظامی مساوی هستند، هیچکس را نمیتوان از دادگاه قانونی محروم نموده در دادگاه فوق العاده محاکمه کرد. هیچکس را نمیتوان دستگیر و بازداشت و تعقیب نموده گردد مگر در مقرر در قانون و با رعایت تشریفات که قانوناً منظور گردیده است.

آزادی عقاید مذهبی برای کلیه افراد تضمین میشود.

حق مالکیت و حق دریافت مطالبات از دولت برای عموم محفوظ است.

اشخاص حق دارند عقاید و نظریات خود را بدون سانسور انتشار دهند ولی مقامات مربوطه و اشخاص متضرر حق تعقیب نویسنده را دارند .

جرائم مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه رسیدگی میشود .

هر فردی میتواند نظریات و درخواستهای خود را باستحضار دولت و مجالس مقننه برساند .

تقدیم عرایض بطور دسته جمعی ممنوع است .

عرایض مردم در جلسات علنی مجالس خوانده میشود و در صورت قابل توجه بودن توسط رؤسای مجالس بعرض امپراطور میرسد .

حکومت نظامی فقط در صورت اشغال قسمتی از خاک فرانسه از طرف نیروی نظامی يك دولت بیگانه یا شورش داخلی برقرار میشود . در مورد اول حکومت نظامی را دولت بدون تصویب مجالس مقننه برقرار می کند ولی در صورت شورش داخلی استقرار آن مستلزم تصویب قانون مخصوصی است بهر حال چنانچه مجالس در حال انعقاد نباشند دولت مجاز است حکومت نظامی اعلان کند بشرط اینکه در ظرف مدت ۱۵ روز پس از تشکیل جلسات مجالس يك لایحه قانونی دائر بر اجازه برقراری حکومت نظامی تهیه و به پارلمان پیشنهاد کند .

بموجب فصل سوم (مواد ۳۴ الی ۳۷) قانون اساسی مورد بحث مالیات مستقیم برای یکسال و مالیات غیر مستقیم برای چندسال وضع میشود . در صورت انحلال مجلس مبعوثان مالیات مصوب مجلس منحل شده تا انعقاد مجلس مبعوثان جدید قابل دریافت بود . دریافت مالیات مستقیم و غیر مستقیم ، انجام معاملات استقراضی دولت ، فروش یا معاوضه املاک دولتی ، ترتیب سر باز گیری و واگذاری قسمتی از خاک فرانسه به يك دولت خارجی تمام این عملیات بموجب قانون صورت میگیرد . لوایح قانونی دایر بر وضع مالیات و معاملات استقراضی و سر باز گیری و کلیه محاسبات مملکتی بایستی اول در مجلس مبعوثان عنوان شده با کثرت آراء قبول و بعد به تصویب مجلس اعیان برسد .

این بود اهم مقررات قانون اساسی ۲۲ آوریل ۱۸۱۵ و اما پس از تصویب قانون اساسی جدید و انعقاد مجالس مقننه ناپلئون در ۱۲ ژوئن عازم میدان جنگ شد و در ۱۷ همان ماه در محلی موسوم به واترلو (۱) واقع در بلژیک مغلوب و یکبار دیگر از مقام

امپراطوری به نفع پسر خود استعفا کرد و این تصمیم ناپلئون مورد تئید مجلس نمایندگان واقع گردید و ضمناً مجلس مزبور در جلسه ۲۳ ژوئن يك حكومت موقت ۵ نفری بریاست فوشه (۱) جهت اداره فرانسه و يك کمیسیون ۹ نفری برای تنظیم قانون اساسی جدید انتخاب کرد. در ۲۹ ژوئن مجلس نمایندگان به بحث در طرح قانون اساسی جدید که مانوئل (۲) راجل سیاسی فرانسه تهیه کرده بود مبادرت نموده و تا ۷ ژوئیه قسمتی از مواد طرح مزبور را تصویب کرد.

در ۸ ژوئیه لوئی هیجدهم تحت حمایت ولنگتن به پاریس برگشت و قانون اساسی ۴ ژوئن ۱۸۱۴ را یکبار دیگر بموقع اجرا گذاشته مجلس نمایندگان را منحل و دستور تجدید انتخابات را صادر نمود.

فصل سوم

انقلاب ماه ژوئیه ۱۸۳۰ و تغییر منشور اعلیائی

لوئی هیجدهم

مبحث اول

علی انقلاب - خلع شارل دهم - انتخاب لوئی درولتان به سلطنت فرانسه
پس از فوت لوئی هیجدهم در سال ۱۸۲۴ تاج و تخت فرانسه به شارل دهم (۱)
برادر ۶۷ ساله او انتقال یافت. مردم فرانسه که از حکومت ارتجاعی پادشاه متوفی
راضی نبودند از سلطنت شارل دهم حسن استقبال کردند و اما پاره اقدامات او از جمله
وضع قوانین بر علیه مذهب کاتولیک اعطای یک میلیارد فرانک خسارت به مهاجرین
دوره انقلاب کبیر موجبات عدم رضایت مردم را فراهم ساخت ولی مارتینیاک (۲)
یکی از رجال آزادیخواه که در سنه ۱۸۲۸ به ریاست هیئت وزیران فرانسه
انتخاب شده بود با پاره اقدامات اصلاحی منجمده الغاء سانسور مطبوعات موفق شد
عدم رضایت عناصر آزادیخواه و اصلاح طلب را تعدیل نموده و بطور محسوس کدورت
موجوده بین ملت و پادشاه را مرتفع سازد. و اما پادشاه و اطرافیان او مشغول دسیسه
بر علیه نخست وزیر خیر خواه و اصلاح طلب بوده او را وادار به استعفاء نمودند و بجای
وی پولینیاک (۳) که یکی از رجال مرتجع آن زمان بشمار میرفت به ریاست دولت
تعیین شد.

در سال ۱۸۳۰ شارل دهم بنا به پیشنهاد پولینیاک مجلس مبعوثان را که قسمت اعظم
آن از مخالفین دولت تشکیل میشد منحل و دستور انتخابات جدید را صادر نمود ولی این
اقدام شارل دهم بضرر او تمام شد زیرا در انتخابات جدید علاوه بر ۲۲۱ نفر مخالف

Charles X - ۱

Jean - Baptiste de Martignac - ۲

Jules - Armand, prince de Polignac - ۳

دولت در مجلس منحل شده، ۴۹ نفر مخالف جدید بنمایندگی انتخاب شدند. چون دولت در انتخابات شکست خورده و همکاری او با مجلس جدیداً انتخاب غیرمقدور بود از این دو در ۲۵ ژوئیه یکبار دیگر مجلس مبعوثان منحل و انتخابات جدید برای ۱۳ سپتامبر تعیین گردید و برای اینکه از انتخاب مخالفین دولت جلوگیری شود پادشاه قانون انتخابات را تغییر داد و همچنین آزادی مطبوعات را معلق ساخت تا اقدامات خلاف قانون اساسی وی سر و صدا بلند نکند. اقدامات دولت ارتجاعی شارل دهم یعنی انحلال مجلس جدیداً انتخاب، تغییر قانون انتخابات و از بین بردن آزادی مطبوعات با اعتراض شدید نمایندگان مجلس منحل شده و مدیران جراید مواجه شد و عصبانیت بی نظیری در قاطبه مردم فرانسه ایجاد نموده و منجر به انقلاب گردید. نمایندگان مجلس منحل شده که در پاریس حاضر بودند بتاريخ ۳۰ ژوئیه شارل دهم را بواسطه نقض قانون اساسی از سلطنت خلع و همانروز نیابت سلطنت را بطور موقت تا تعیین تکلیف تاج و تخت فرانسه به لوئی فیلیپ دورلئان (۱) پسر فیلیپ دورلئان (۲) پسر عموی لوئی شانزدهم که در مجلس کنوانسیون رأی به اعدام وی داده و خود او نیز در دوره ترور محکوم به اعدام شده بود تفویض کردند.

و اما شارل دهم که بعجله پاریس را ترك گفته در سن کلو (۱) و رامبوئی (۴) توقف کرده بود حکومت ارتجاعی پولینیاک را از کار بر کنار و امریه های مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۸۳۰ راجع بانحلال مجلس مبعوثان و تغییر قانون انتخابات و از بین بردن آزادی مطبوعات را باطل نموده و از مقام سلطنت به نفع پسرش دوک دو بوردو (۵) استعفا داد ولی این عقب نشینی شارل دهم بلا اثر ماند بدین معنی که مجلس مبعوثان در جلسه ۶ اوت بمنظور تعیین تکلیف تخت و تاج فرانسه و تجدید نظر در منشور اعطائی يك کمیسیون ۸ نفری انتخاب کرد و همین کمیسیون به مجلس پیشنهاد نمود که مقدمه منشور ۱۸۱۴ را که منافعی با اصل حاکمیت ملی بود حذف و تغییراتی هم در پاره ای از مواد آن بعمل آورد و دوک دورلئان را بسلطنت انتخاب کند. این پیشنهاد و همچنین اعلامیه مربوطه در جلسه هفتم اوت مجلس مبعوثان مطرح و با پاره اصلاحات با کثرت ۲۱۹ موافق در برابر ۳۳ مخالف به تصویب رسید. مجلس اعیان نیز در همانروز تشکیل جلسه

Louis - Philippe d'Orléans - ۱

Saint - Cloud - ۳

Philippe d'Orléans - ۲

Duc de Bordeaux - ۵

Rambouillet - ۴

داده با ۸۹ رأی موافق در مقابل ۱ رأی مخالف و ۱۴ ممتنع تصویبات مجلس مبعوثان را
دائری تغییر قانون اساسی ۱۸۱۴ و انتخاب دوک دورلئان به سلطنت فرانسه تأیید کرد.
در هفتم اوت مجلس مبعوثان اعلامیه‌ای راجع به لزوم تغییر سلطنت صادر نمود که مفاد
آن بشرح زیر است :

«نظر به وضع حاصله از حوادث ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ ژوئیه و اوضاع و احوالی که
بر اثر نقض قانون اساسی بوجود آمده است .

باتوجه باینکه در نتیجه نقض قانون اساسی و مقاومت دلاوران سکنه پاریس
اعلیحضرت شارل دهم و والاحضرت لوئی آنتوان (۱) پسر ارشد پادشاه و تمام افراد
خانواده سلطنتی از فرانسه خارج میشوند .

مجلس مبعوثان اعلام میکند که تخت و تاج فرانسه عملاً و قانوناً بلاتصدی است
ولازم است پادشاه جدیدی انتخاب شود .

و نیز مجلس مبعوثان اعلام میکند که طبق آرزو و آمال ملت فرانسه و نظر بمنافع
و مصالح آن ، منشور اعطائی لوئی هیجدهم که شئون ملی را جریحه دار میساخت
و پاره مواد آن مستلزم تجدید نظر میباشد .

منافع عمومی و فوری ملت فرانسه ایجاب میکند که سلطنت فرانسه بشرط
موافقت با تصویبات و پیشنهادات مجلس مبعوثان به والاحضرت لوئی فیلیپ دورلئان
نایب السلطنه و نزدیکترین اقوام ذکور او واگذار شود .

نظر بآنچه که فوقاً ذکر شد از والاحضرت لوئی فیلیپ دورلئان نایب السلطنه
تقاضا میشود که شرائط و تعهدات مندرج بالا را قبول نموده و قسم یاد کند که قانون
اساسی ۱۸۱۴ را با تغییراتی که در آن قانون بعمل آمده محترم بشمارد و پس از انجام
مراسم تحلیف معظم له عنوان پادشاه فرانسه را دارا خواهد بود .

مجلس اعیان نیز در جلسه ۷ اوت اعلامیه مذکور در فوق را تأیید نموده موضوع
بلاثر بودن انتصابات اعضای مجلس مزبور را که در زمان سلطنت شارل دهم بعمل
آمده بود موکول به حسن تدبیر، رأی و تصمیم نایب السلطنه میکرد .

در نهم اوت دوک دورلئان در جلسه مشترک مجلسین حضور بهم رسانیده پس از
استماع تصویبات مجلس مبعوثان و مجلس اعیان قسم یاد کرد که قانون اساسی جدید

فرانسه را محترم شمرده منافع مردم را در نظر بگیرد و موجبات عظمت و نیکبختی ملت را فراهم سازد. قانون اساسی جدید در شماره ۱۴ اوت ۱۸۳۰ مجله رسمی (۱) فرانسه منتشر گردید.

مبحث دوم

پادشاه - وزراء

قانون اساسی مورخ ۱۴ اوت ۱۸۳۰ دارای يك مقدمه و ۷۰ ماده میباشد. در مقدمه لوئی فیلیپ پادشاه جدید الا انتخاب فرانسه فرمان ابلاغ مجدد و اجرای منشور اساسی مصوب ۴ ژوئن ۱۸۱۴ را که در نتیجه اصلاحات و تغییراتی که مجالس مقننه در آن بعمل آورده بودند بصورت قانون اساسی جدید در آمده بود صادر نمود.

۷۰ ماده قانون اساسی مورد بحث شامل مسائل ذیل میباشد:

- ۱- حقوق عمومی فرانسویان (مواد ۱ تا ۱۱).
- ۲- اختیارات پادشاه (مواد ۱۲ تا ۱۹).
- ۳- مجلس اعیان (مواد ۲۰ الی ۲۹).
- ۴- مجلس مبعوثان (مواد ۳۰ الی ۴۵).
- ۵- وزراء (مادتين ۴۶ و ۴۷).
- ۶- دستگاه قضائی (مواد ۴۸ تا ۵۹).
- ۷- حقوقیکه دولت تضمین میکند (مواد ۶۰ تا ۶۷).
- ۸- مقررات مخصوص (مواد ۶۷ تا ۷۰).

چون کلیه شرائط رأی دادن و انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان در قانون اساسی جدید پیش بینی نشده بود ماده ۶۹ قانون مزبور تعیین شرائط رأی دادن را موقوف به تصویب يك قانون متعارفی کرده بود بنابراین قانون مورد نظر در ۱۹ آوریل ۱۸۳۱ بتصویب مجلسین رسید. به علاوه ماده ۶۸ قانون اساسی مقرر میداشت که ماده ۲۳ قانون مزبور که بموجب آن پادشاه محق بود اعضای مجلس اعیان را بطور موروثی یا مادام العمر تعیین کند در دوره اجلاسیه ۱۸۳۱ مجلسین مورد تجدید نظر واقع گردد.

باتوجه بمداول ماده مذکور در فوق مجلس مبعوثان در جلسه مورخ ۱۸۸ کتبر ۱۸۳۱ لایحه پیشنهادی دولت را که بر طبق آن موروثی بودن عضویت مجلس اعیان ملغی گردیده و پادشاه ملزم میشد اعضای آن مجلس را از بین شخصیت‌های معین در قانون انتخاب کند تصویب کرد. چون مجلس اعیان مایل به تصویب لایحه مزبور نبود از این رو پادشاه بنا به پیشنهاد هیئت دولت و باستناد ماده ۲۳ قانون اساسی يك عده را به نمایندگی مجلس اعیان انتصاب کرد که در نتیجه مخالفت آن مجلس با لایحه پیشنهادی دولت بر طرف گردیده و مجلس اعیان لایحه مزبور را با ۱۷۰ رأی موافق در برابر ۱۰۲ مخالف تصویب کرد.

اینک با در نظر گرفتن مواد قانون اساسی مورخ ۱۸۳۰ و مفاد قانون انتخابات مورخ ۱۹ آوریل ۱۸۳۱ مجلس مبعوثان و قانون ۲۹ دسامبر ۱۸۳۱ راجع بطریقه انتصاب اعضای مجلس اعیان به بیان سازمان سیاسی فرانسه از تاریخ انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ تا انقلاب ۱۸۴۸ مبادرت میشود.

فرق عمده منشور اعطائی ۱۸۱۴ با قانون اساسی ۱۸۳۰ عبارت از این است که منشور ۱۸۱۴ را لوئی هیجدهم بمیل خود به ملت فرانسه اعطا کرده بود در صورتیکه قانون اساسی ۱۸۳۰ قراردادی بود بین پادشاه و نمایندگان ملت و پادشاه فقط پس از ابراز موافقت با قانون اساسی مزبور و اعلام وفاداری خود نسبت بآن، پادشاه فرانسه شناخته شد.

بموجب قانون اساسی ۱۸۳۰ اقتدارات دولتی را پادشاه مجلس مبعوثان و مجلس اعیان اعمال میکردند و قانون اساسی جدید اختیارات پادشاه را نسبت به سابق محدود نموده بود بدین معنی که پادشاه و هر يك از مجالس حق پیشنهاد قانون را داشتند در صورتیکه قانون اساسی ۱۸۱۴ پیشنهاد لوایح قانونی را از وظائف اختصاصی پادشاه دانسته فقط به هر يك از مجلسین اجازه میداد که با جلب موافقت مجلس دیگر توجه پادشاه را به يك موضوع قانونی جلب و تقاضا کند که راجع بآن موضوع يك لایحه قانونی تهیه و برای شور و تصویب به مجالس پیشنهاد کند. هر چند بموجب قانون اساسی ۱۸۳۰ پادشاه حق داشت از توشیح و ابلاغ لوایح و طرحهای مصوب مجلسین خودداری کند ولی لوئی فیلیپ در تمام دوره سلطنت خود فقط يك دفعه از این حق استفاده کرده و توشیح و ابلاغ قانون مصوب مجلسین که اهمیت زیاد نداشت امتناع کرد. قانون اساسی جدید به پادشاه حق میداد که بمنظور اجرای قوانین نظامنامه تنظیم و ابلاغ

کنسولی وی مجاز نبود بوسیله نظامنامه از اجرای قوانین مصوب جلو گیری نماید. بموجب قانون اساسی ۱۸۳۰ پادشاه بجای مراسم تاجگذاری که جنبه مذهبی داشت در جلسه مشترک مجلسین قسم یاد میکرد که قانون اساسی و سایر قوانین را محترم شمرده و وسائل اجرای قوانین مزبور را فراهم سازد. مانند دوره قبل از انقلاب ۱۸۳۰ پادشاه وزراء و سایر مأمورین عالی مقام کشوری و نظامی را نصب و عزل مینمود. پادشاه اعلان جنگ میدهد و قراردادهای بین المللی را منعقد میساخت. پادشاه نمایندگان سیاسی و کنسولی به ممالک بیگانه میفرستاد و نمایندگان آنها را میپذیرفت. حق تعطیل مجالس با پادشاه بود. پادشاه حق داشت فرمان انحلال مجلس مبعوثان را صادر کند ولی ملزم بود مجلس جدید را در ظرف سه ماه از تاریخ انحلال مجلس سابق منعقد سازد.

پادشاه ریاست قوه قضائیه را دارا بوده و باین عنوان قضات را تعیین میکرد و حق عفو و تخفیف مجازات محکومین را اعمال مینمود. شخص پادشاه مقدس و از مسئولیت مبری بود. مخارج دستگاه پادشاهی را مجالس مقننه در اولین دوره اجلاس پس از جلوس پادشاه جدید برای تمام دوره سلطنت معین میکردند.

هر چند در قانون اساسی جدید مسئولیت سیاسی وزراء در مقابل مجالس پیش بینی نشده بود ولی در عمل مسئولیت آنان در مقابل پارلمان معمول بود بدین معنی که پادشاه اعضاء هیئت دولت را از بین اشخاصی که مورد اعتماد مجالس بودند تعیین میکرد و عملاً به مجالس حق میداد دولت را مورد استیضاح قرار دهند و چنانچه اظهارات دولت قانع کننده بنظر نمیرسید در این صورت مجلس مبعوثان میتواند با ابراز عدم اعتماد دولت را وادار باستعفاء کند. مجلس اعیان از این حق استفاده نمیکرد ولی درباره موارد خود دولت برای تقویت مقام خود در مجلس مبعوثان، از مجلس اعیان تقاضای رأی اعتماد مینمود. بموجب ماده ۶۶ قانون اساسی ۱۸۳۰ وزراء مجاز بودند با حفظ مقام خود به نمایندگی مجلس مبعوثان انتخاب شوند یا به عضویت مجلس اعیان تعیین گردند و همچنین نمایندگان مجالس حق داشتند با حفظ عضویت خود در پارلمان قبول وزارت کنند. همانطوریکه در زمان سلطنت لوئی هیجدهم و شارل دهم معمول بود وزراء در مقابل پارلمان مسئولیت جزائی داشتند بدین ترتیب که مجلس مبعوثان قرار تعقیب آنها را صادر و مجلس اعیان آنان را محاکمه میکرد.

مبحث سوم

مجلس اعیان - مجلس مبعوثان

ماده ۶۸ قانون اساسی ۱۸۳۰ از کسانی که در زمان سلطنت شارل دهم به عضویت مجلس اعیان تعیین شده بودند سلب نمایندگی کرده بود به علاوه نمایندگان مجلسین موظف بودند قسم یاد کنند که به پادشاه جدید وفادار باشند و چون طرفداران سلسله ارشد خاندان بوربون حاضر نمیشدند چنین تعهدی بکنند بنابراین ۶ نفر از اعضای مجلس اعیان که از ادای سوگند وفاداری امتناع میکردند از نمایندگی منفصل شدند و همچنین ماده ۶۸ قانون اساسی ۱۸۳۰ مقرر میداشت که مجالس مقننه در دوره اجلاسیه ۱۸۳۱ بر طبق يك قانون متعارفی طریقه انتصاب اعضای مجلس اعیان را مورد تجدید نظر قرار دهند. با توجه بماده فوق الذکر ماده واحده مورخ ۲۹ دسامبر ۱۸۳۱ موروثی بودن عضویت مجلس اعیان (موضوع ماده ۲۳ قانون اساسی ۱۸۳۰) را ملغی نموده مقرر داشت که از آن تاریخ بپسند نمایندگان مجلس مزبور را پادشاه مادام العمر از بین رجال (۱) از قبیل رئیس مجلس مبعوثان - کسانی که لا اقل سه دوره سابقه نمایندگی مجلس مبعوثان را داشتند - مارشالها و دریابانهای فرانسه - امرای لشکر و دریاداران بادوسال سابقه - وزراء - سفرای کبار با سه سال سابقه سفارت - وزرای مختار باشش سال سابقه وزارت مختاری - اعضای شورای دولتی باده سال سابقه - فرمانداران (۲) باده سال سابقه فرمانداری - فرمانداران کل مستعمرات با پنج سال سابقه - رؤسای انجمنهای ولایتی (۳) که سه بار لا اقل بریاست انجمن مزبور انتخاب شده بودند - شهرداران شهرهایی که دارای لا اقل سی هزار جمعیت بودند بشرط دوره عضویت انجمن شهر و پنج سال سابقه ریاست شهرداری - رؤسای دیوان کشور و دیوان محاسبات - دادستانهای دیوان کشور و دیوان محاسبات با پنج سال سابقه دادستانی - مستشاران دیوان کشور و دیوان محاسبات با پنج سال سابقه مستشاری - دیاران دیوان کشور و دیوان محاسبات باده سال سابقه - رؤسای کل محاکم سلطنتی (۴) با پنج سال سابقه قضاوت در آن محاکم - دادستانهای محاکم سلطنتی

préfets - ۲

Cours royales - ۴

notabilités - ۱

Conseils généraux - ۳

با ده سال سابقه - رؤسای محاکم تجارت با چهار دوره سابقه ریاست (در شهر هائیکه دارای لا اقل سی هزار جمعیت بودند) - اعضای اصلی فرهنگستان - ملاکین و تجار و ارباب صنایع عمده که سه هزار فرانک مالیات مستقیم میپرداختند .

افراد ذکور خاندان سلطنتی در مجلس اعیان عضویت داشتند . اعضای مجلس اعیان در سن ۲۵ سالگی حق شرکت در جلسات مجلس مزبور را داشته و در سن ۳۰ سالگی میتوانند رأی بدهند و ریاست آن مجلس با مهر دار فرانسه بود و در غیاب او یکی از نمایندگان بانتخاب پادشاه و ظایف ریاست را انجام میداد . توقیف اعضای مجلس اعیان مستلزم موافقت مجلس مزبور بود .

بموجب قانون انتخابات مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۳۱ مجلس مبعوثان، حق رأی اختصاص به اشخاصی داشت که علاوه بر واجد بودن سایر شرایط مقرر در قانون مزبور، ۲۵ سال عمر داشته و ۲۰۰ فرانک مالیات مستقیم میپرداختند در صورتیکه بموجب قانون انتخابات مورخ ۵ فوریه ۱۸۱۷ برای رأی دادن ۳۰ سال عمر و پرداخت ۲۰۰ فرانک مالیات ضروری بود . در نتیجه اجرای قانون جدید انتخابات عده رأی دهندگان نسبت بدوره قبل دو برابر شده بود . طبق قانون ۱۸۱۷ چنانچه در یکی از حوزه های انتخابیه عده رأی دهندگان کمتر از ۱۵۰ نفر بود در این صورت به اشخاصیکه کمتر از ۲۰۰ فرانک مالیات مستقیم میپرداختند (به ترتیب میزان مالیات پرداختی آنها) حق رأی داده میشد تا تعداد رأی دهندگان به ۱۵۰ نفر برسد . پاره ای اشخاص منجمده اعضای فرهنگستان و افسران متقاعد نیروی زمینی و دریائی با پرداخت ۱۰۰ فرانک مالیات مستقیم در انتخابات شرکت میکردند .

مقامات مربوطه صورت اسامی اشخاصی را که واجد شرایط رأی دادن بودند تنظیم و اعلام میکردند و هر سال یکمرتبه در صورت های تنظیمی تجدید نظر میشد و متوفیان و اشخاصی که در خلال سال گذشته بعلت ترك تابعیت یا محکومیت و یا علل قانونی دیگر از حق رأی دادن محروم شده بودند از صورت های مورد تجدید نظر خارج و بالعکس اشخاصی را که بعلت تحصیل تابعیت رسیدن به سن قانونی و غیره دارای رأی میشدند وارد صورت رأی دهندگان میکردند . در ظرف مدت مقرر در قانون اشخاص ذینفع مجاز بودند به شورای فرمانداری (۱) مراجعه و اصلاح صورت تنظیمی را

درخواست کنند و پس از انقضای مدت قانونی صورتها قطعی محسوب شده و حق شرکت در انتخابات فقط باشخاصی داده میشود که جزء صورتهای نهائی بودند. فرمان انتخابات از طرف پادشاه صادر میگردد. در هر حوزه انتخابیه يك نفر و كیل انتخاب میشود. مجموع اعضاء مجلس مبعوثان بالغ بر ۵۹ نفر بود. به نمایندگی مجلس مبعوثان فقط اشخاصی میتوانند انتخاب شوند که دارای ۳۰ سال عمر بوده و ۵۰۰ فرانك مالیات مستقیم میپردازند در صورتیکه در زمان لوئی هیجدهم و شارل دهم برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان ۴ سال لااقل عمر و پرداخت ۵۰۰ فرانك مالیات مستقیم لازم بود. برای انتخاب شدن داشتن نصف آراء مأخوذه و ثلث مجموع آراء حوزه انتخابیه ضروری بود. در صورت عدم حصول حد نصاب مذکور در فوق انتخابات تجدید میشود و در دفعه دوم رأی دهندگان ملزم بودند از بین دو نفر که بیشتر از او طلبان دیگر رأی داشتند یکی را بنمایندهگی انتخاب کنند. انتخابات در مدت حداکثره روزانجام مییافت. رسیدگی به اعتبارنامه های نمایندگان با خود مجلس بود. نمایندگان مجالس از دریافت مقرری ممنوع بودند.

دوره اجلاسیه مجالس در عین زمان شروع و پایان مییافت بجز مواردیکه مجلس اعیان بعنوان محکمه تشکیل جلسه میداد. افتتاح دوره اجلاسیه پارلمان از طرف پادشاه بعمل میامد. مجالس اصولاً مساوی الحقوق بودند و اما برخلاف این اصل کلی مجلس اعیان وظائفي قضائی داشت بدین ترتیب که وزراء و اشخاصی را که متهم بخیانت به مملکت و توطئه بر ضد امنیت عمومی بودند مجلس اعیان محاکمه میکرد. قرار تعقیب وزراء را مجلس مبعوثان صادر مینمود. بعلاوه محاکمه نمایندگان مجلس اعیان متهم به ارتکاب جنحه یا جنایت با خود مجلس اعیان بود. لوایح مالی قبلاً در مجلس مبعوثان رسیدگی و تصویب شده سپس برای تصویب به مجلس اعیان فرستاده میشد ولی دولت مجاز بود سایر لوایح را به تشخیص خود قبلاً به مجلس مبعوثان یا مجلس اعیان تقدیم کند. چنانچه لوایح یا طرحهای قانونی در يك دوره اجلاسیه از طرف یکی از ارکان سه گانه قانونگذاری یعنی مجلس مبعوثان یا مجلس اعیان و یا پادشاه رد میشد در این صورت آن لایحه یا طرح قانونی نبایستی در همان دوره اجلاسیه برای تصویب به مجالس تقدیم شود.

مبحث چهارم

قوه قضائیه - حقوق عمومی افراد

ریاست قوه قضائیه با پادشاه بود و دادرسان بنام پادشاه قضاوت میکردند. قضات از طرف پادشاه انتخاب میشدند و قابل عزل نبودند مگر امنای صلح که عزل و تغییر شغل آنها جایز بود. بموجب ماده ۵۳ قانون اساسی دولت مجاز نبود متهمین را از محکمه قانونی محروم نموده به محکمه فوق العاده تسلیم کند. ضبط اموال بعنوان مجازات ممنوع بود. جلسات محاکم جنائی علنی بود مگر در مواردیکه علنی بودن آنها از لحاظ حفظ نظم عمومی و جلوگیری از انتشارات منافی عفت ضروری تشخیص داده میشد.

قانون اساسی ۱۸۳۰ اصل برابری را در مقابل قانون و از لحاظ پرداخت مالیات و اشتغال به شاغل کشوری و نظامی و آزادی فردی و آزادی مطبوعات و الغاء سانسور و آزادی عقاید مذهبی را اعلام مینمود. مذهب کاتولیک که در زمان سلطنت لوئی هیجدهم و شارل دهم مذهب دولتی شناخته میشد بر طبق قانون اساسی جدید این امتیاز را از دست داده و در ردیف سایر ادیان مسیحی قرار میگرفت. فقط روحانیون مذهب کاتولیک و همچنین مأمورین سایر مذاهب مسیحی از خزانه دولت حقوق دریافت میداشتند.

ماده ۶۹ قانون اساسی ۱۸۳۰ حل و فصل مسائل ذیل را موکول به تصویب قوانین متعارفی مینمود:

- ۱- تشکیل هیئت منصفه برای رسیدگی بجرائم سیاسی و مطبوعاتی.
- ۲- مسئولیت وزراء و سایر مأمورین دولت.
- ۳- تجدید انتخابات در حوزه هائیکه نمایندگان آنها شغل موظف دولتی قبول میکردند.

۴- ترتیب سرباز گیری.

۵- سازمان گارد ملی.

۶- وضع استخدامی افسران نیروی زمینی و دریایی.

۷- طرز انتخاب و حدود وظائف انجمنهای ولایتی و بلوکی.

۸- موضوع آزادی تعلیم و تربیت .

۹- الغای رأی متعدد و تعیین شرائط رأی دادن و انتخاب شدن .

نظر بماده ۶۹ قانون اساسی ۱۸۳۰ مجالس مقننه در دوره های اجلاسیه ۱۸۳۰

و ۱۸۳۱ و ۱۸۳۳ و ۱۸۳۴ و ۱۸۳۵ و ۱۸۳۷ و ۱۸۳۸ چند فقره قانون تصویب نمودند که محض اجتناب از تطویل کلام از شرح آنها صرف نظر میشود .

فصل چهارم

انقلاب ۱۸۴۸ و اعلام حکومت جمهوری

مبحث اول

جریان انقلاب - تشکیل حکومت موقت

تصویب قانون اساسی جدید

در ماه فوریه ۱۸۴۸ انقلابی در پاریس بوقوع پیوست که منجر به سقوط حکومت سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری گردید. همانطور که انقلاب ماه ژوئیه ۱۸۳۰ در فرانسه شروع شده به بلژیک و لهستان سرایت نموده بود انقلاب ۱۸۴۸ نیز در فرانسه پدیدار شده به پروس و اتریش و مجارستان و ایتالیا راه یافته باعث شورش و عصیان در آن ممالک گردید. فرق وقایع ۱۸۳۰ فرانسه با حوادث خونین ۱۸۴۸ این بود که در سال ۱۸۳۰ ملاکین و تجار و ارباب صنایع و متمولین دیگر بمنظور خلع سلسله ارشد (۱) خانواده بوربون و استقرار سلسله اصغر (۲) خاندان مزبور اقدام به انقلاب نمودند در صورتیکه علت اساسی انقلاب ۱۸۴۸ مخالفت قسمت اعظم مردم فرانسه با قانون انتخابات ۱۹ آوریل ۱۸۳۱ بود. توضیح اینکه بموجب قانون مزبور حق شرکت در انتخابات مجلس مبعوثان فقط باشخاصی داده میشد که ۲۰۰ فرانک مالیات مستقیم میپرداختند و حق انتخاب شدن بنمایندگی منحصر به کسانی بود که ۵۰۰ فرانک مالیات مستقیم میدادند و این مأخذ باندازه‌ای سنگین بود که از سی میلیون جمعیت فرانسه آنزمان در حدود فقط دویست هزار نفر حق شرکت در انتخابات را داشتند. و اما کارگران و سایر عناصر تندرو تحت تأثیر تألیفات سوسیالیستهای آن دوره مانند پرودون (۳) لوئی بلان (۴) کاب (۵) و مندرجات تبلیغاتی و مقاله های تحریک آمیز

branche cadette - ۲
Louis Blanc - ۴

branche aînée - ۱
Proudhon - ۳
Cabet - ۵

روزنامه‌های رفرم (۱) و ناسیونال (۲) چاپ پاریس اکتفا به تجدید نظر در قانون انتخابات ۱۸۳۱ و اعلام انتخابات عمومی نکرده بلکه الغای حکومت سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری را درخواست می نمودند. با توجه به تقاضاهای طبقات اصلاح طلب ملت فرانسه مخالفین دولت در مجلس مبعوثان پیشنهاد کردند میزان مالیاتی که رأی دهندگان بایستی بپردازند تقلیل یابد تا عده بیشتری از افراد بتوانند از حق رأی استفاده کنند. گیزو (۳) رئیس الوزراء و هواخواهان او در مجلس مبعوثان با این پیشنهاد مناسب و ملایم مخالفت نمودند و این مخالفت بی جا و سوء سیاست پادشاه و وزرای او باعث شد که در روز ۲۲ فوریه عناصر تندرو پاریس اقدام به انقلاب کنند. الحاق گارد ملی (۴) به شورشیان پادشاه را اذکار کرد گیزو را از کار برکنار و موله (۵) نام را به نخست وزیر تعیین کند. روز بعد یعنی در ۲۳ فوریه انقلاب با شدت و حدت بیشتری تجدید شد و نظامیان بسوی مردم تیراندازی کردند که در نتیجه عده‌ای مقتول و مجروح شدند. انقلابیون مقتولین را بردوش گرفته در خیابانها تظاهراتی نمودند و مردم را علیه پادشاه و دولت تحریک می کردند و مصراً و مؤکداً الغای رژیم سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری را درخواست می نمودند. پادشاه تییر (۶) را که یکی از مخالفین دولت و مورد احترام مردم بود از حضور او را مأمور تشکیل کابینه کرد ولی این اقدام لوئی فیلیپ نتوانست آتش انقلاب را خاموش کند زیرا عناصر تندرو و انقلابی الغای حکومت سلطنتی و استقرار رژیم جمهوری را درخواست می کردند. انتخاب مارشال بوژو (۷) بفرماندهی قوای متمرکز در پایتخت به عصبانیت مردم افزود و نظامیان از مقاومت در مقابل انقلابیون خودداری کرده و حتی با آنها هم‌صدا شدند. در ۲۴ فوریه پادشاه به نفع نوه خود موسوم به کنت دوپاری (۸) از مقام سلطنت استعفا داده پاریس را ترک گفت و در انگلستان پناهنده شد. در همان روز کونت دوپاری با اتفاق مادرش که از طرف پادشاه مستعفی به نیابت سلطنت انتخاب شده بود در مجلس مبعوثان حضور بهم رسانید. اکثریت نمایندگان مایل بودند سلطنت کونت دوپاری و نیابت سلطنت مادر او را قبول کنند ولی در آن موقع شورشیان وارد مجلس شده نمایندگان را بزور از طالار جلسات

National - ۲	Réforme - ۱
garde nationale - ۴	Guizot - ۳
Thiers - ۶	Molet - ۵
Comte de Paris - ۸	maréchal Bugeaud - ۷

بیرون کردند سپس يك حکومت موقت مرکب از لامارتین (۱) آراگو (۲) لومی - بلان (۳) دوپون (۴) و هفت نفر دیگر تشکیل دادند. حکومت موقت بریاست دوپون بطور موقت تاتشکیل مجلس ملی رژیم جمهوری را اعلام و مجلس اعیان و مجلس مبعوثان را منحل نمود. در ۵ ماه مارس فرمان انتخابات عمومی صادر گردید. انتخابات در ۲۳ آوریل بعمل آمده و مجلس ملی با حضور ۹۰۰ نفر نماینده در ۴ ماه منعقد و در همانروز تصمیم حکومت موقت را دائر بر استقرار حکومت جمهوری تأیید نمود سپس مجلس ملی استعفای حکومت موقت را قبول و در دهم ماه مه يك کمیسیون اجرائی (۵) مرکب از آراگو، لامارتین و سه نفر دیگر تشکیل و کمیسیون مزبور را مأمور نمود که تا تصویب قانون اساسی جدید و تشکیل حکومت دائمی فرانسه را اداره کند. در ۱۵ ماه مه عناصر تندرو که از اقدامات مجلس ملی و عملیات کمیسیون اجرائی ناراضی بودند یکبار دیگر وارد مجلس شده نمایندگان را از طالار جلسه بیرون کردند و انجلال کمیسیون اجرائی را اعلام و يك حکومت موقت از هواخواهان خود تشکیل دادند. در همان روز عصیان خاموش گردیده و مسببین محاکمه و مجازات شدند. در ۲۳ ژوئن همانسال عصیان شدیدتری بوقوع پیوست و مجلس ملی ژنرال کاونیاک (۶) را با اختیارات تام مأمور خاموش کردن شورش نمود. عصیان ۴ روزه ژوئن نیز مانند شورش ۱۵ مه بدون اخذ نتیجه پایان یافت و مجلس ملی بمنظور جلوگیری از تکرار شورش در پاریس حکومت نظامی اعلام نموده و کارگرانی را که از ولایات پاریس آمده و در آنجا اقامت کرده بودند بولایات تبعید نمود و آزادی مطبوعات و تشکیل مجامع و انجمنها را محدود کرد.

و اما قبل از وقایع خونین ۱۵ مه مجلس ملی بتاريخ ۱۲ همان ماه يك کمیسیون ۱۸ نفری مرکب از نمایندگان احزاب مختلف جهت تنظیم قانون اساسی جدید تشکیل داد. کمیسیون مزبور طرح قانون اساسی را در ۱۳۹ ماده تنظیم و در ۱۹ ژوئن برای شور و تصویب به مجلس ملی تقدیم کرد. مجلس طرح مزبور را با پاره اصلاحات در جلسه ۴ نوامبر با کثرت ۷۳۹ رأی در برابر ۳۰ رأی مخالف تصویب نمود سپس

Arago — ۲	Lamartine — ۱
Dupont — ۴	Louis Blanc — ۳
général Cavaignac — ۶	Commission exécutive — ۵

در ۱۰ دسامبر ۱۸۴۸ پرنس لوئی ناپلئون بوناپارت برادرزاده ناپلئون اول در انتخابات مستقیم و بلاواسطه با کثرت ۵۵۳۴۲۲۶ رأی که قسمت اعظم آن متعلق به کارگران و دهاقین بود بریاست جمهوری انتخاب شد.

مبحث دوم

احول کلی - وظائف و حقوق مردم

قانون اساسی مورخ ۴ نوامبر ۱۸۴۸ دارای يك مقدمه و ۱۱۶ ماده میباشد. خلاصه مقدمه قانون اساسی مزبور از این قرار است :

« در مقابل خداوند بنام ملت فرانسه مجلس ملی اعلام میکند :

-۱-

فرانسه يك دولت جمهوری است . با برقراری حکومت جمهوری ملت فرانسه عزم دارد با آزادی کامل راه ترقی را طی کند و وسائل تقسیم عادلانه مالیات و عوارض و سایر تعهدات مردم را در قبیل دولت و همچنین مزایای اجتماعی را فراهم نماید و سطح زندگی هر فردی از افراد را بوسیله تغلیل هزینه های عمومی و تعدیل مالیات بالا ببرد و با اصلاح ادارات دولتی و تکمیل قوانین مردم را به حد اعلای تکامل معنوی و آسایش و آسودگی برساند .

-۲-

فرانسه يك جمهوری دمکراسی و غیرقابل تقسیم است .

-۳-

جمهوری فرانسه حقوق و وظایفی را که فوق قوانین موضوعه بوده و مقدم بر آن قوانین میباشد تأیید میکند .

-۴-

شعار جمهوری فرانسه آزادی (۱) برابری (۲) و برادری (۳) است . اساس و پایه جمهوری فرانسه خانواده ، کار ، مالکیت و نظم اجتماعی میباشد .

-۵-

ملت فرانسه بانظر احترام به سایر ملل مینگردد و میخواهد که ملل دیگر نیز متقابلاً ملت فرانسه را محترم شمارند .

-۶-

افراد ملت نسبت به جمهوری فرانسه وظایفی دارند. ملت فرانسه نیز وظایفی را در برابر مردم عهده‌دار است.

-۷-

افراد مردم وظیفه دارند که وطن خود را دوست داشته باشند. به حکومت جمهوری خدمت کنند. بقیمت جان خود از فرانسه دفاع نمایند. به تناسب دارائی خود در پرداخت مالیات شریک و سهیم باشند.

-۸-

ملت فرانسه عزم راسخ دارد که از افراد و خانواده و دارائی و کار آنها حمایت کرده و فرهنگ را برای عموم قابل استفاده کند. ملت فرانسه بوسیله ایجاد کار یا کمک مادی و سائل زندگی اشخاص محتاج و کسانی را که قدرت کار ندارند تأمین می‌کند. فصل دوم (مواد ۲ الی ۱۷) قانون اساسی ۱۸۴۸ حقوقی برای اشخاص قائل شده بود که اهم آن از این قرار است:

• هیچکس را نمیتوان دستگیر و بازداشت نمود مگر بموجب قانون (ماده ۲).
 خانه اشخاص از تجاوز مصون است. هیچکس نمیتواند وارد خانه دیگری بشود مگر در موارد پیش بینی شده در قانون و با رعایت مقرراتی که در قانون منظور گردیده است (ماده ۳).

هیچکس را نمیتوان از محاکم قانونی محروم ساخت. تشکیل کمیسیون و محاکم فوق العاده به هر عنوان و اسمی باشد ممنوع است (ماده ۴).
 حکم اعدام در باره مجرمین سیاسی ملغی است (ماده ۵).

بردگی در هیچیک از سرزمینهای تحت حاکمیت فرانسه جایز نیست (ماده ۶).
 هر کس میتواند با آزادی خلل ناپذیر با آداب و رسوم مذهب خود عمل کند.
 دولت فرانسه بدون تبعیض از تمام مذاهب حمایت میکند. روحانیون ادیبانی که از طرف دولت شناخته شده‌اند یا در آتیه مورد شناسائی دولت واقع خواهند گردید حق دارند از خزانه دولت حقوق دریافت دارند (ماده ۷).

افراد مجازند انجمن و مجامعی تشکیل دهند. نظریات و عرایض خود را بمقامات دولتی تسلیم کنند. عقاید خود را بوسیله مطبوعات یا وسایل دیگر اظهار نمایند. مشروط بر اینکه اعمال این حق آزادی دیگران را محدود ننمایند و منحل نظم عمومی نباشند.

بهیچ وجه و عنوان نمیتوان مطبوعات را تابع سانسور کرد (ماده ۸).

تعلیم و تربیت آزاد است. آزادی تعلیم و تربیت بشرط شایستگی و صلاحیت اخلاقی پیش بینی شده در قانون و تحت نظر دولت اعمال میشود و تمام مؤسسات تعلیم و تربیتی بدون استثنا، مشمول این نظارت میباشند (ماده ۹).

تمام افراد با احراز شرایط منصوص در قانون و با در نظر گرفتن لیاقت و صلاحیت خود حق اشتغال به کلیه مشاغل دولتی را دارند. عناوین اشرافی و کلیه امتیازات طبقاتی و غیره ملغی است (ماده ۱۰).

حق مالکیت محفوظ است معذک در مواردیکه منافع عمومی ایجاب نماید دولت میتواند از اشخاص سلب مالکیت کند مشروط بر اینکه قبل از خلع ید بهای منصفانه ملک مورد نظر پرداخت شود (ماده ۱۱).

ضبط اموال برای همیشه ملغی است (ماده ۱۲).

قانون آزادی کار و حرفه را برای اشخاص تضمین میکند. جامعه بوسیله تعلیم ابتدائی و مجانی - تعلیم حرفه‌ای - برابری کارفرما و کارگر - ایجاد مؤسسات تعاونی و اعتبار - ایجاد کار بوسیله دولت و شهرستانها و بخشها و دهستانها برای اشخاصیکه فاقد کار میباشند و سائل توسعه تولید را فراهم میکند. دولت به اطفال بی پدر و مادر و علیان و پیران بی بضاعت کمک میکند (ماده ۱۳).

پرداخت قروض دولتی تضمین میشود. تعهداتی که دولت در مقابل طلبکاران خود تقبل نموده است قابل انکار نیست (ماده ۱۴).

مالیات برای تأمین منافع و آسایش عمومی وضع میشود. اشخاص با در نظر گرفتن تمکن و توانائی خود مالیات میپردازند (ماده ۱۵).

بدون قانون وضع مالیات نمیشود (ماده ۱۶).

مالیات مستقیم برای مدت یکسال وضع میشود و مالیات غیر مستقیم را میتوان برای چند سال ایجاد نمود (ماده ۱۷).

ماده ۱۸ (فصل سوم) قانون اساسی مورد بحث ملت را منشأ تمام قوای دولتی دانسته و تفویض آن قوا را بطور موروثی باشخاص منع میکرد. ماده ۱۹ فصل مزبور تفکیک قوا را اولین شرط حکومت آزاد میدانست.